

بررسی نماد دایره در هنر ایران و بین النهرین

رحما بردبار^۱

دانشجوی دکترا تاریخ ایران بعد از اسلام

چکیده

بررسی تمدن های بین النهرین، ایران، هند و چین نمایانگر این موضوع است که می توان به نمونه هایی از نمادهای دینی مشترک در بین این تمدن ها دست یافت. از جمله ی این نقوش می توان به دایره اشاره کرد که به عنوان نماد دینی در ادیان باستانی این ملل وجود دارد. تصور و ساختن نمونه های جاودانه، یکی از آشکارترین تلاشهای انسانی است که از نخستین لحظات زندگی، مرگ و زوال را به چشم می دیده و همه ی مظاهر دنیا را در حال فروریختن می یافته است. یکی از مهمترین اشکالی که با جاودانگی و مفهوم بی نهایت پیوند دارد، نماد دایره است. در حقیقت انسان، مفاهیم جاودانه را در این شکل مجسم کرده است. این تجسم، گاه به صورت تصویری ذهنی و گاهی نیز به شکل نمونه های دیدنی در آمده است. حضور دایره ابتدا در ادیان خدا - خورشید، از بین النهرین شروع شد و به ایران رسید. دایره نماد خدای خورشید بود، اما بعدا به عنوان نماد دینی و عقیدتی به مصر، چین، هند و رفت و نقش های متعددی به خود گرفت. در هنر جهان باستان دایره یک سمبل دینی بوده که نقش بسیار مهمی نیز داشته است، به نحوی که این اهمیت بعدها به هنر و اساطیر مدرن هم کشیده شد و تا امروز در هنر ما مطرح و مورد توجه هنرمندان زیادی بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، هنر، نماد دایره، بین النهرین

^۱ نویسنده مسئول: Rohama.bordbar@gmail.com

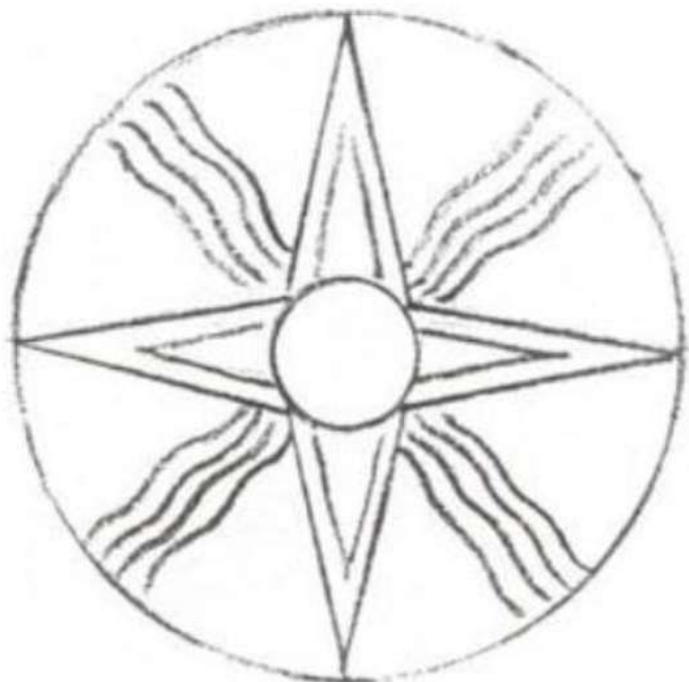
بررسی تمدن های بین النهرین، ایران، هند و چین نمایانگر این موضوع هست که می توان به نمونه هایی از نمادهای دینی مشترک در بین این تمدن ها دست یافت. از جمله ی این نقوش می توان به دایره اشاره کرد که به عنوان نماد دینی در ادیان باستانی این ملل وجود دارد. نماد دایره به حدی در هنر دینی این ملل نقش ایفا می کند که بعدها در آیین ها و سنت هایی که در این ملتها حاکم شدند باز هم دایره نقش های جدیدی را در آن ایفا می کرد و به هیچ عنوان کمرنگ نمیشد. در جهان باستان، اعتقادات دینی و اسطوره ای سر منشأ بسیاری از حرکت های انسانی بوده است. ذات و درون هر پدیده ای که اتفاق می افتد به نوعی به اسطوره و دین پیوند می خورد و هنر بهترین وسیله برای به نمایش در آوردن این تفکر دینی و اسطوره ای بود. در هنر باستانی، برخی نقش ها و نمادها صرفاً تصویر نبودند بلکه نماد یک عقیده و سمبل دینی بودند که از جمله ی آنها می توان به دایره اشاره کرد. پیشینیان بر این باور بودند که فضاها ی دایره ای و حلقه ای، محافظ و نگهدارنده ی هر چیزی است که در درون حلقه ی آن قرار دارد. "الیاده" دایره ساختن و دایره زدن را به گونه ای رمزی، ایمنی بخش و مانع از هجوم ارواح خبیث میدند. به عقیده ی او دایره های بسته شده ی گرد قبرها، مانع از سرگردانی ارواح می- شود و شگردی برای حفاظت از آنها و نیز باقی ماندن ارواح در فضایی مقدس است (دو و کور، ۱۳۷۶ش). می توان گفت دایره به دلیل اینکه فاقد آغاز و پایان و فراز و فرود است نوعی کمال اولیه و تمامیت و کلیت را القا می کند (کوپر، ۱۳۷۹ش). دایره در جهان باستان از جمله بین النهرین، ایران، مصر، هند و تمدن های بودایی مذهب نقش مهمی را به عنوان سمبل دینی برعهده گرفته است. حضور دایره در ابتدا در ادیان خدا - خورشید از بین النهرین شروع شد و به ایران رفت. دایره نماد خدای خورشید بود هر چند بعدها به عنوان نماد دینی و عقیدتی به مصر، چین، هند و دارای نقش های متعددی شد. دایره و مرکز از جمله رمزهای اساسی به حساب می آیند. درخت زندگی و مار، در زمانی اساطیری و در بهشت روی زمین که مستدیر توصیف شده، نشانه ها و نگهدارنده مرکز بودند. در اکثر تمدن ها، ابدیت به شکل دایره و چرخ و اوروبوروس، ماری که دمش را گاز گرفته تصویر می شود. شکل مدور نمودار یکی از مهم - ترین جهات زندگی یعنی وحدت، کلیت، شکفتگی و کمال است. غالباً انسان در درون دایره ای که نشانگر تناسبات پیکر است به تصویر درآمده است. در اکثر سنن، به این شکل بسته که انسان را در بر گرفته؛ محافظت می کند، کار ویژه های جادویی منسوب شده است (دوبو کور، ۱۳۷۶). در تمامی اساطیر و ادیانی که خورشید نقش مهمی در آنها به عهده دارد شکل خورشید به تدریج تبدیل به دایره شده و به عنوان نماد خورشید در هنرهای دینی آنان مطرح شده است. خورشید غالباً در مرکز کیهان تصویر شده است و نشانه ی عقل عالم به شمار می رفته است آن چنان که قلب آدمی مقرر بعضی از قوای او محسوب می شود، خورشید به عنوان چشم عالم و قلب جهان، گاهی در مرکز چرخ فلک البروج می درخشد و نیز یکی از صور درخت جهان است که در این نقش پرتوهایش درخت زندگی به شمار می روند (دوبوکور، ۱۳۷۶). در کهن ترین تصاویر بازمانده از خورشید - خدایان، هاله های مقدس ظاهر می شود که به شکل قرص است. هاله یا به صورت قرص ساده یا پرتوهای نوری در می آید که از سر آنها ساطع است (هال، ۱۳۸۴). دایره و چرخ همواره با هم بودند و گاهی به یکدیگر تبدیل شده اند. اولین چرخهایی که در تاریخ نشانی از آنها یافت شده چرخ های اربهای مخصوص حمل جنازه هایی بوده که کاتب سوه. در ۳۵۰۰ ق.م آن را به تصویر درآورده است (دوبو کور، ۱۳۷۶ش). کارکرد دایره در اسطوره ها، رؤیاها، ماندالاها، آیین های پرستش خورشید و نیز نقشه های قدیم شهرها، بیانگر توجه به تمامیت" به عنوان اصلی ترین و حیاتی ترین جنبه ی زندگی انسان است (گوستاو یونگ، ۱۳۷۸ش).

صلیب یا چهار بازوی مساوی - که در ابتدا دایره بود - و درون آن یک دایره محاط شده است، چهار جهت اصلی آن در بین النهرین نماد چهار جهت اصلی طبیعت و بادهای باران زاست که نماد خدایان آسمان، هوا و آب است و نیز نماد شمش و آنو خدای آسمان است (هال، ۱۳۸۴ش).



شکل ۱: صلیب با بازوی مساوی نماد خدای آسمان بین النهرین

دایره نماد شمش خدای خورشید بین النهرین است. دایره ای به صورت ستاره چهار پر با چهارشعله یا پرتو که درون یک دایره واقع شده است از جمله این نمادهاست (هال، ۱۳۸۴).

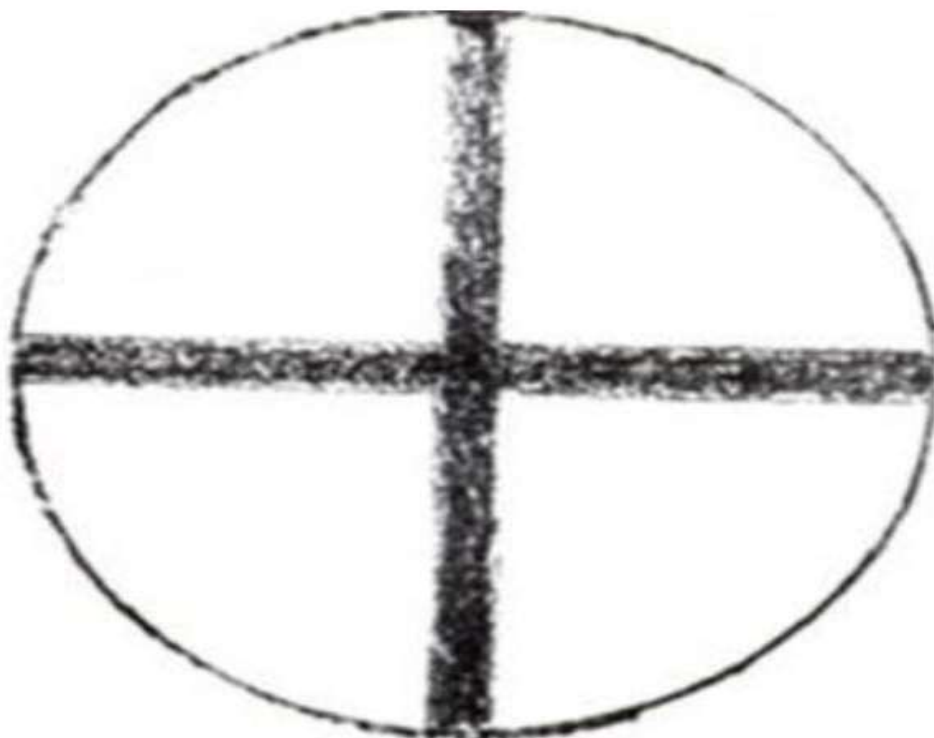


شکل ۲: دایره نماد خدای خورشید شمش



شکل ۳: شاه بابل در حال قربانی کردن برای الهه خورشید

از جمله سمبل‌ها و نمادهایی که بر دایره دلالت دارند می‌توان به گردونه‌ی تندرویی اشاره کرد که با اسب کشیده می‌شود و متعلق به مهاجمان آریایی بوده است که در پیروزی نظامی آنها جنبه‌های قاطعانه داشته است و بعدها در قصر آشور بانیپال دوم ظاهر شده است. گردونه‌ی نظامی نماد پیروزی و اسب نماد نیروی خورشید بود. گردونه نیز وسیله‌ی انتقال بسیاری از خدایان خورشید بوده است از جمله ایشتار الهه‌ی جنگ بین‌النهرین که همیشه سوار بر گردونه به تصویر درآمده است (ها ل ۱۳۸ش).



شکل ۴: چرخ گردونه در بین‌النهرین که کاملاً بر دایره دلالت می‌کند

علاوه بر این در بین النهرین نمادهای دیگری وجود داشتند که کاملاً شکل دایره را داشتند. از جمله ی این نمادها می توان به خدایان بین النهرین اشاره کرد که بدون نام بودند و تعداد آنها ۷ تا بود. این خدایان برای نخستین بار روی مهرهای استوانه ای شکل بابل کهن و بعداً بر روی سنگ های معین مرزی و ستون های یادمانی ظاهر شدند و به شکل هفت نیمکره یا هفت قرص بودند که آنها را در دو ردیف یا به صورت آذین - های گلسرخي تعبیه می کردند. هفت خدا را با هفت ستاره ی پروین یکی می دانستند و بعدها به صورت مجمع الکواکب درآوردند به صورت هفت ریگ بودند که از آنها برای فالگیری یا قرعه کشی استفاده می کردند و به همین علت بود که این ریگها جنبه ی تقدس پیدا کردند. این هفت نماد به **Sibittithe** seven مشهور شدند (هال، ۱۳۸۴ش).



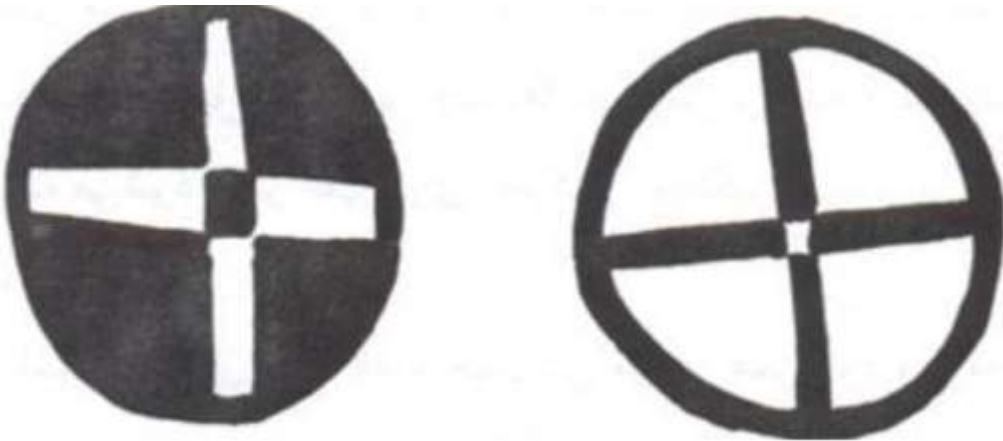
شکل ۵: سی بی تی هفت نماد دایره ای مقدس در بین النهرین

به هر حال بسیاری از نمادهای مقدس که در بین النهرین ظهور کردند ، بعداً در ایران نفوذ کردند و سپس از طریق ایران به هند و آیین بودا راه یافتند و به صورت نمادهای ثابت بودایی در آمدند که از جمله ی آنها می-توان به چرخ اشاره کرد.

تجلی دایره در هنر دینی ایران

در سرزمین ایران نیز توجه به خورشید و خدایان خورشید بسیار مورد توجه بود. در آیین مهر و بعدها در آیین زرتشت ، مهر (میترا) خدای خورشید و نماینده ی خورشید بود (شناخت ادا ، ۱۳۸۰ش). دایره به عنوان یک نماد مقدس ابتدا در دروان

باستان در سفالهای شوش ظاهر شد که در ابتدا به صورت دایره ای با بازوها یا صلیب های مساوی بود و به نظر می رسد که این نقش از بین النهرین وارد ایران شده است.



شکل ۶: نمونه ای از نقوش سنتی ایران به روی سفالهای شوش که دایره در آن به خوبی نمایش داده شده است



شکل ۷: نقوش روی سفال شوش ۵-۸ قبل از میلاد

گردش آسمان و چرخ زمان می باشد که متأثر از تلقی دورانی از زمان و گردش آن در آیین زرتشتی است (جعفری، ۱۳۸۱ش). از دیگر زمینه های قداست دایره میتوان به مندل و "دایره تعویذ" اشاره کرد که در بردارنده ی ویژگی حفاظت کننده ی دایره هستند. در زبان فارسی واژه های "مندله" و "منذر" که با نام "خط عزیمت" و "دایره تعویذ" نیز خوانده میشوند - به نظر می رسد که تغییر شکل یافته ی واژه ی سانسکریت ماندلا هستند. "فروزانفر" خط عزیمت را این گونه تعریف می کند: "خط عزیمت خطی است که عزیمت خوانان به شکل دایره رسم می کنند و درون آن می نشینند" (بهاء ولد، ۱۳۵۲ش). در تعریف مندل و مندله نیز آمده است که: "دایره ای است که عزیمت خوانان بر گرد خود کشند و در میان آن نشسته، عزیمت و ادعیه خوانند" (شمیسا، ۱۳۷۷ش). دایره تعویذ نیز، با کاربردی مشابه مندل و خط عزیمت به منظور درمان و محافظت از مجانین، صرع زدگان، چهار پایان، اموال و... به کار می رفته است (شمیسا، ۱۳۷۷ش). چنین دایره هایی با در بر گرفتن فضایی تابو گونه، به ابزار محافظت از اشیا و اشخاص تبدیل می شوند (دوبو کوره، ۱۳۷۶ش). نمونه ای فراوانی در هنر ساسانی دیده می شود که به دایره و مفاهیم رمزی آن اشاره می کند. همچنین به دلیل جنبه ی تقدس دایره این نماد به شکل های مختلفی در کلاه های شاهان ساسانی ظاهر شده است. شاهان ساسانی همگی اعتقاد به دین زرتشت داشتند و حامی

دین بودند؛ بنابراین جای تعجب ندارد که به صورت رسمی و عملی به شکل های مختلف اعتقادات خود را به رخ می کشیدند.



شکل ۸: نمونه هایی از کلاه ها و تاج های شاهان ساسانی که نماد دایره در آن به خوبی مشخص است

دایره در هنر دینی هند و سنت بودایی

دایره در هنر هند، ابتدا به صورت هاله ی تقدس ظاهر شد. این سنت ابتدا در ایران و دور سر اهورامزدا شروع شد و به هند رفت. قدیمی ترین هاله ی تقدس مربوط به خدایان هند و سده های دوم تا چهارم میلادی است. هاله ی تقدس در هند به صورت دایره ای ساده یا گل نیلوفر در نهایت شکوفندگی است. هاله ی تقدس در هنر بودایی هند به صورت هاله و شعله های متصاعد از بدن به شکل های مختلف به صورت یکی از جنبه های مختلف بودا و بعضی بودهی ستوها و کشی تی گادبها و آدهاتها در آمد و این امر در جایی بود که هنر بودایی نفوذ کرد (هال، ۱۳۸۴ش، ص ۲۲۱). در شمایل نگاری هندویی، هاله ی تقدس در سانسکریت به صورت Shirash-Chakra برای همه ی خدایان آمده است (هال، ۱۳۸۴ش). به طور کلی در هنر هند دایره نماد زمان و نماد حرکت پیوسته و مدور آسمان است که با الوهیت مرتبط است (هومنه گر، ۱۳۷۶ش). نمادهای دیگر دایره چرخ است، در سنت هندویسم تصویر خورشید غالباً با چرخ همراه است زیرا هر دو علامت مدوری هستند که نمایشگر جهان هستند. معبد خورشیدی koarak در نزدیکی سواحل شمالی یکی از نمونه های این رمزپردازی است. در این معبد گردونه ی سنگی عظیمی است که سوری (خدا- خورشید) ایستاده با گل لوتوس در هر دو دست آن را می راند. نمودهایی از تصویر گردونه ی کیهانی با چرخ های رستگاری که محور آنها گویی زمین را به آسمان پیوند میدهند از هند در قرن ۱۳ میلادی به دست آمده است. رایج ترین آنها چرخ هشت پره است که نماد کیهان شناسی و جهات اصلی و میانی است. پرتوهای خورشید، شبیه پره های چرخ است که محورش نمایشگر مبدأ و اصل و دورش با پره های متصل به محور، تجلی این مبدأ است (دوبو کور، ۱۳۷۶ش). به زبان سانسکریتی در هند به چرخ Chakravaritin یا چکرا گفته میشود که در آغاز نماد چرخش سال و وابسته به خورشید بود و بشنو آن را می چرخاند. بعدها بودا نقش ویشنو را به عهده گرفت و به چکرا واریتن به معنای کسی که چرخ را می چرخاند یا شخصی که بر جهان حکمرانی می کند ملقب شد. در ابتدا چرخ نماد بودا بود و سپس نماد تعلیمات بودا شد. همچنین چرخ یکی از نمادهای پای بودا است (هال، ۱۳۸۴ش). در هنر دینی هند، خدا - خورشید سوریاً توسط گردونه ی سوار بر آن منتقل میشد. گردونه ی بزرگ شیوا توسط دیگر خدایان ساخته شد که به اتفاق برهما، گردونه ی ران خود شهر سه گانه ی دیوان را ویران ساخت. همچنین در هند دایره نماد خورشید بود (هال،

۱۳۸۴ش، ص ۲۰۵). یکی از مهمترین تجلیات قداست دایره، ماندالا است. ماندالا غالباً از دایره های هم مرکز ساخته می شود که همه همگرا به مرکز درونی هستند (دوبو کور، ۱۳۷۶ش). ماندالا نماد جهان در نزد هندیان و بوداییان است که به سانسکریت دایره ای معروف است. طبق این آیین انسان دارای طبیعتی خدایی است ولی از این حقیقت آگاهی ندارد. روح آدمی در زمانهای بسیار دور اسیر تن شده و نجات انسان فقط از طریق تکامل است که اکثر انسانها در یک زندگی نمی توانند به آن دست پیدا کنند و به همین دلیل است که روح آدمی در چرخه ی زندگی و مرگ اسیر است تا از طریق تکامل و خودشناسی خود را از این وادی پررنج و وحشت نجات دهد (مهاریشی ماهش یوگی، ۱۳۷۱ش). بنابراین ماندالا را می توان بازتابی از جهان معنوی در این جهان دانست. همگرایی دایره ها در ماندالا، آن را به محلی برای تمرکز حواس، سلوک درونی و نمودار سیر سالکان تبدیل کرده است (کوپر، ۱۳۷۹ش).



شکل ۹: نمونه ای از ماندالاهای هندی

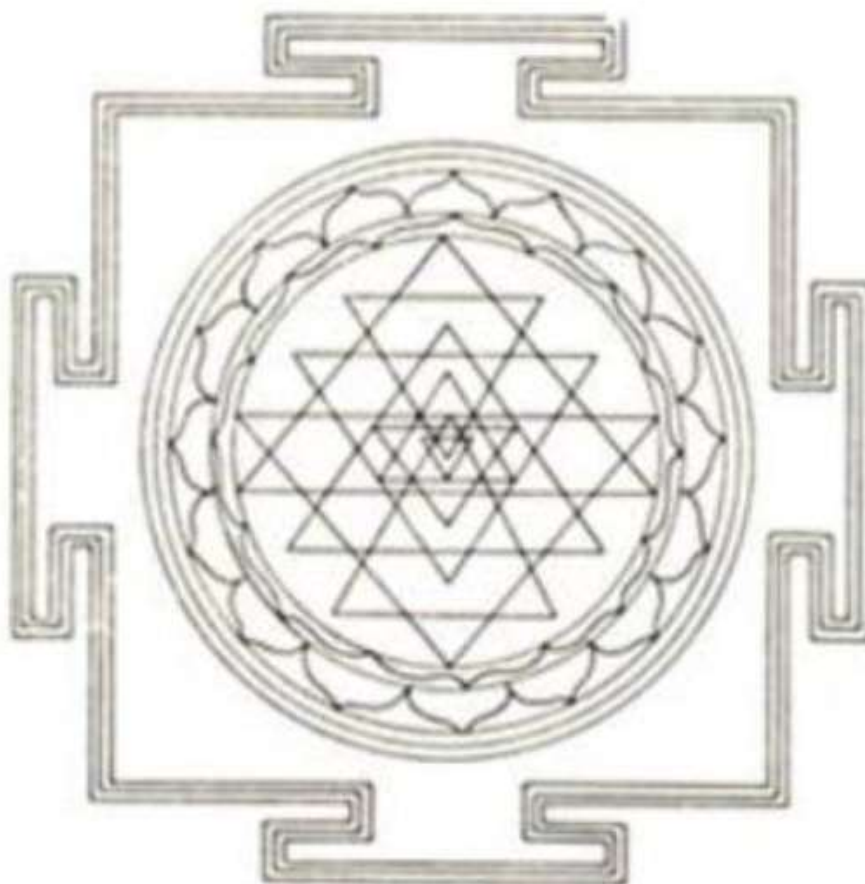


شکل ۱۰: نمونه ای از نمادهای دایره ای هندی در رقص شیوا



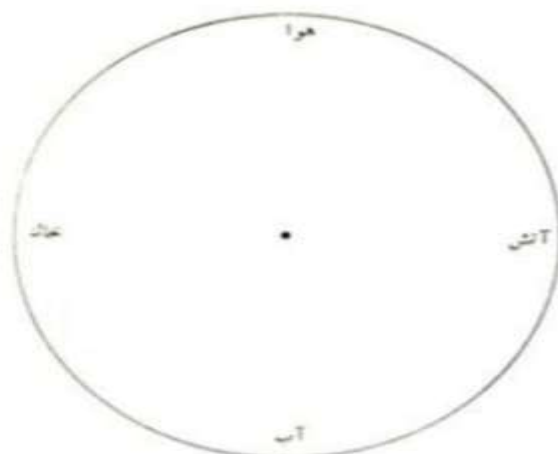
شکل ۱۱: نمونه ای از نمادهای دایره ای هندی که به صورت چرخ ظاهر شده و نماد بوداست

در هنر هند، ماندالا به عنوان نمادهای معنوی مطرح شده است که به شکل دایره های چهار و یا هشت پرتوی تصویر می شوند که جهان و پیوند آن با نیروهای الهی را آشکار می کنند (گوستاو یونگ، ۱۳۷۸ش). در برخی از ماندالاها نیز مربعی در داخل دایره آشکار است. در این نوع از اشکال می توان دایره را نماد آسمان و مربع را نماد زمین در نظر گرفت (دوبو کور، ۱۳۷۶ش). ماندالا، طرح اساسی بناهای مذهبی بوده است و اینطور به نظر می رسد که کاربرد طرح های ماندالایی در ساختار شهرها و بناها به منظور تبدیل آنها به فضایی قدسی بوده است (گوستاو یونگ، ۱۳۷۸ش).

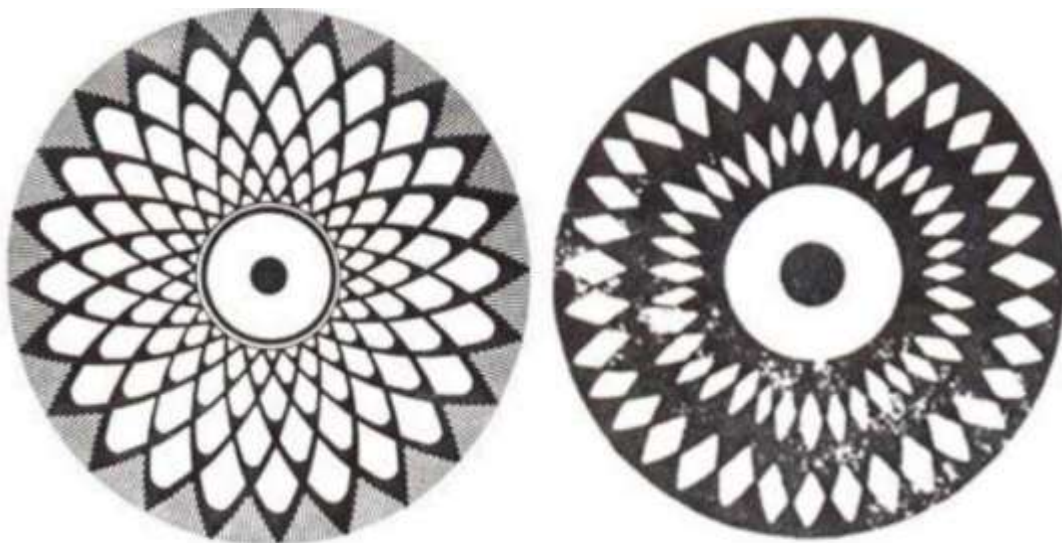


نمونه‌ای از یانترهای هندی - بودایی

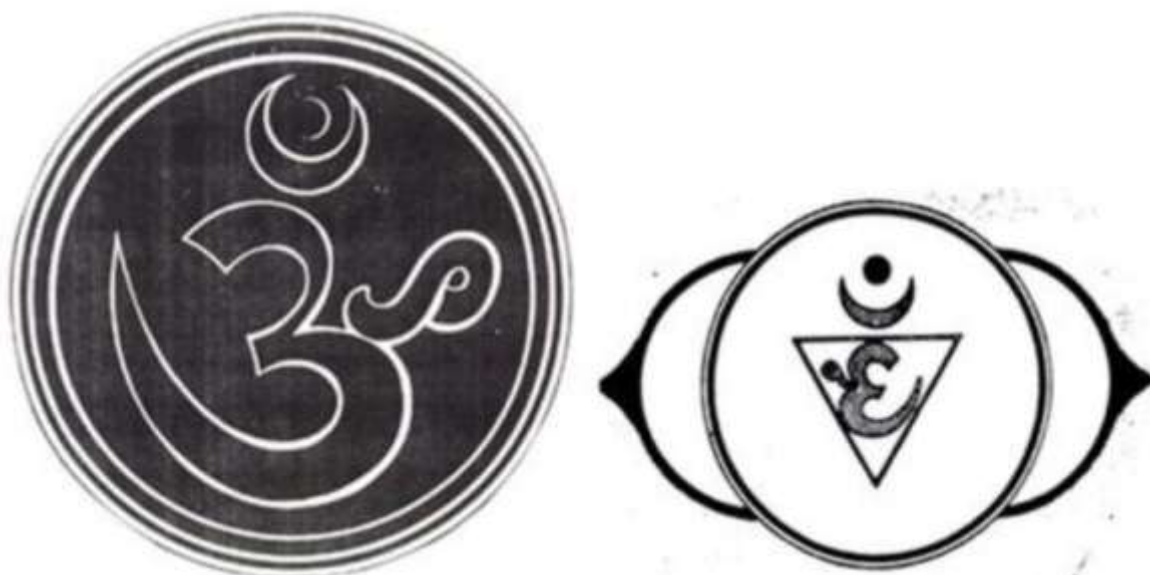
در آیین بودایی هند، اوم، آجنا، ساهاسرارا و آناهاتا وجود دارد (مهاریشی ماهش بوگی، ۱۳۷۱ش). پانترها به عنوان وسیله‌ی تمرکز در آیین بودایی شناخته شده‌اند و ساده‌ترین شکل آن دایره‌ای بوده است که در داخل آن عناصر طبیعی (چهار کلمه) نوشته شده است که تمرکز به وسیله‌ی آن صورت می‌گرفت (همفری، ۱۳۷۱ش).



یانترای ساده‌ی بودایی‌ها برای تمرکز کردن



سahasrara



چاکرای آجنا

چاکرای آجنا یک لوتوس به رنگ آبی نقره ای است که دو گلبرگ دارد و روی این گلبرگ ها ماتراهای هام و کشام به تصویر درآمده است. در مرکز آن بذر درخشان ماترای اوم به رنگ زرد روشن دیده میشود که به وسیله ی خطوط قرمزی تزیین شده اند (مہاریشی ماہش یوگی، ۱۳۷۱).

دایره در هنر بودایی چین

چرخ قانون یک نمونه از نمادهایی هست که برای نشان دادن ساکیامونی در قدیمی ترین و غیر تمثیلی ترین صورت در هنر بودایی چینی به کار می رفت و در ابتدا به شکل قرص خورشید بود. خورشید در چین نماد امپراطور بود. خورشید یکی از دوازده زینت بر روی لباس امپراطور چین بود. یکی از جنبه های متفاوت اصول بودایی چرخ زندگی است که نماد دایره های بی پایان تولد مجدد است. این دایره در نقاشی تبتی به صورت چرخ با شش پره نمایش داده می شد (هال، ۱۳۸۴ش). چرخ

بردبار

در هنر بودایی چین یکی از هشت علامت فرخندگی نزد بوداییان است. دایره های متحدالمركز که غالباً در مذهب بودایی به چشم می خورد نمادی از آخرین مرحله ی تکامل درونی یا هاهنگی معنوی است. بهشت زمینی به شکل دایره نشان داده شده است. تحول و تکامل مربع به دایره در ماندالاها شبیه به تکامل یافتن تبلور مکانی یا نیروانا به مرحله ی نامعلوم بودن اصلیت است که در شرق همان عبور از زمین و رفتن به آسمان است. دایره با حرکت پویای خود نمایانگر تغییرات زمینی است (هوهنه گر، ۱۳۷۶ش).



نماد جهان گرایی چینی که در مرکز طرح
دونماد بین و یانگ به معنای همواره یکی در
میان دیگری است .



شکل ۱۲: دایره در هنر بودایی به صورت دیسک تسا چاکرا

نتیجه گیری

تصور و ساختن نمونه های جاودانه، یکی از آشکارترین تلاشهای انسانی است که از نخستین لحظات زندگی، مرگ و زوال را به چشم میدیده و همه ی مظاهر دنیا را در حال فروریختن می یافته است. یکی از مهمترین اشکالی که با جاودانگی و مفهوم بی نهایت پیوند دارد، نماد دایره است. در حقیقت انسان، مفاهیم جاودانه را در این شکل مجسم کرده است. این تجسم، گاه به صورت تصویری ذهنی. گاهی نیز به شکل نمونه های دیدنی در آمده است. از مهمترین ویژگی های این نماد (همچون دیگر نمادها) شناور بودن آن است؛ به همین سبب در کسوتهایی گوناگون نماد یافته است؛ چنان که گاهی تجلی قداست می گردد، گاهی آفرینش کیهانی را تکرار می کند و گاهی نیز با اشیایی دیگر، گره می خورد و مفهومی یکسان را نشان میدهد. حضور دایره ابتدا در ادیان خدا - خورشید، از بین النهرین شروع شد و به ایران رسید. دایره نماد خدای خورشید بود اما بعدا به عنوان نماد دینی و عقیدتی به مصر، چین، هند و رفت و نقش های متعددی به خود گرفت. در هنر جهان باستان دایره یک سمبل دینی بوده که نقش بسیار مهمی نیز داشته است. به نحوی که این اهمیت بعدها به هنر و اساطیر مدرن هم کشیده شد و تا امروز در هنر ما مطرح و مورد توجه هنرمندان زیادی بوده است.

منابع

- الیاده، میرچا، (۱۳۷۲)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه ی جلال ستاری، تهران، توس.
- بهاء ولد، بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بلخی، معارف بهاءولد، (۱۳۵۲)، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، طهوری.
- جعفری، سعیده، (۱۳۸۱)، "مقاله‌ی فر و نمادهای آن در هنر ساسانی"، ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ی ۴۵۴۶.
- دوبوکور، مونیک، (۱۳۷۶)، رمزهای زنده‌ی جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، مرکز.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۷)، فرهنگ اشارات در ادبیات فارسی، تهران، فردوس.
- کوپر، جی سی، (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ی ملیحه کرباسیان، تهران، فرشاد.
- مهاریشی، ماهش یوگی، (۱۳۷۱)، مدی تیشن (عرفان کهن) ، رضا جمالیان، تهران، نشر مترجم.
- نائومی، رضا جمالیان، (۱۳۷۱)، همفری، مدی تیشن (طریقت باطنی) ، ، تهران، نشر مترجم.
- هال، جیمز، (۱۳۸۶)، فرهنگ نگارهای نمادها، رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر.
- هومنه گر، آلفرد، (۱۳۷۶)، نمادها و نشانه ها، علی صلح جو، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شناخت ادیان ۲، (۱۳۸۰)، واحد تدریس کتب درسی قم، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ج ۲.
- یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۷۸)، انسان و سمبولهایش، ترجمه‌ی محمود سلطانی، تهران، جامی.